

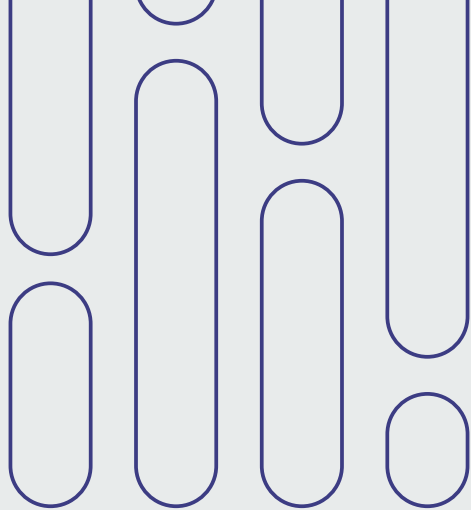
گزارش

# رفتار ایالات متحده در قبال توافق عربستان سعودی و ایران

28 مارس 2023



**RASANA**  
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية  
International Institute for Iranian Studies



## فهرست

- نخست: توافق به عنوان تهدیدی برای جایگاه و منافع  
ایالات متحده است ..... 3
- دوم: فرصت های نهفته ایالات  
متحده در این توافق ..... 6
- برآیند: بهره برداری از توافقی که شاید چندان دوام  
نیآورد ..... 9

توافقی که در تاریخ ۱۰ مارس ۲۰۲۳، در پکن پایتخت چین میان پادشاهی عربستان سعودی و ایران به امضا رسید، یک رخداد کاملاً غیر منتظره‌ای بود که سؤالات چندی را درباره پیامدهای این توافق بر سیاست امریکا با توجه به جایگاه این کشور و نقشی که در منطقه دارد و نیز روابط این کشور با طرفهای امضا کننده این توافق و ارتباط این توافق با تنشها و امنیت منطقه‌ای مطرح نموده است. این توافق یک رخداد غیر منتظره‌ای بود که ایالات متحده حتی انتظار آن را هم نداشت و ابتکاری بود که باعث کاهش اعتبار بین‌المللی و نفوذ منطقه‌ای ایالات متحده شد. از این رو باید دید که آیا ایالات متحده در قبال این رخداد چه موضعی در پیش خواهد گرفت.

## **نخست: توافق به عنوان تهدیدی برای جایگاه و منافع ایالات متحده است**

احتمالاً توافقی که با میانجیگری چین میان عربستان سعودی و ایران حاصل شده است، در راستای منافع ایالات متحده ارزیابی نشود که در این رابطه چند دیدگاه مطرح است:

**یک. تحت تأثیر قرار دادن جایگاه بین‌المللی ایالات متحده:** حصول این توافق، نشان می‌دهد که رویکردهای چین در سطح جهان به طور بی‌سابقه‌ای دچار تحول شده است. این میانجیگری چین، نمایانگر تحول در سیاستهای خارجی چین از رویکرد اقتصادی به رویکرد امنیتی سیاسی است. و این دیدگاه چین با ابتکار این کشور موسوم به امنیت جهانی کاملاً همخوانی دارد. گفتنی است که چین این ابتکار را به عنوان جایگزین چارچوبهای بین‌المللی که برای چندین دهه از سوی ایالات متحده دنبال می‌شود، پیشنهاد کرده است. در سایه رقابت راهبردی میان ایالات متحده و چین، این توافق بیانگر این واقعیت است که چین جایگاه امریکا در سطح بین‌الملل را به طور جدی تهدید می‌کند.

**دو. کاهش نفوذ منطقه ای ایالات متحده:** این توافقنامه نشان می دهد چین که برای پر کردن خلأ ناشی از عقب نشینی ایالات متحده تلاش می کند، موفق شده است نقش پر رنگ تری در منطقه ایفا کند. و از آنجا که توانسته به عنوان قدرت مورد اعتماد هر دو طرف نقش آفرینی کند، یک گام مهم در راستای افزایش نفوذ در منطقه برداشته است. از آن گذشته، این توافقنامه سبب می شود که منافع چین در عربستان سعودی و ایران بدون موانع خاصی تضمین شود. گفتنی است که قبل از این توافق، چین باید در بازی موازنه میان دو طرف خلیج محاسبات پیچیده ای را مدیریت می کرد. در حالیکه بایدن بر این نکته تأکید کرده است که ایالات متحده خلأیی را در منطقه باقی نخواهد گذاشت که چین آن را پر کند، حصول این توافق نشان داد که نفوذ چین در منطقه افزایش یافته و در مقابل، نفوذ ایالات متحده کاهش می یابد. و احتمالاً موفقیت این ابتکار چین، سبب خواهد شد که این کشور اقدامات و گامهای مؤثر تری را روی دست گیرد.

**سه. اقتدار و افزایش رویکرد استقلال گرایانه:** اکثر کشورهای منطقه به حکم منافع مشترکی که در طول سالیان گذشته با ایالات متحده داشتند، همپیمان ایالات متحده بودند. اما این نکته که ایالات متحده صرفاً در جریان گفتگوهای پکن قرار بگیرد، نشان می دهد که کشورهای منطقه نیز در قبال سیاست «امریکا در درجه اول» ایالات متحده، رویکرد استقلال گرایانه خود را افزایش داده و سیاستهای خود را طبق شرایط منطقه و بر اساس منافع ملی خود تعریف کرده اند. این رویکرد که اخیراً در میان کشورهای منطقه و مخصوصاً توسط عربستان سعودی اتخاذ شده است، نشان می دهد که سلطه امریکا در سطح منطقه و بین الملل با چالشی به نام رویکرد استقلال گرایانه واقعی روبرو است. عربستان سعودی که برای چندین دهه سیاستهای خود را در قبال ایران با سیاستهای ایالات متحده هماهنگ کرده بود، ناگهان با یک تصمیم عملگرایانه با عادی سازی روابط با ایران توافق نمود. عربستان سعودی

با این رویکرد استقلال گرایانه با دید دیگری به جهان می نگرد. از این رو، احتمال دارد دو کشور در آینده از اختلافات عبور کرده و به عنوان دو قدرت به رقابت سازنده روی آورند و احتمال دارد که روند بهبودی اوضاع فراتر از حد انتظار ما نیز پیش برود.

**چهار. طرح امریکایی برای امنیت منطقه:** ایالات متحده تلاش می کرد برای مقابله با خطر ایران، یک چارچوب هماهنگی امنیتی گسترده تری در منطقه ایجاد کند که اسرائیل نیز در آن مشارکت داشته باشد. فلسفه این طرح که بعد از سفر بایدن در اواسط سال ۲۰۲۲ میلادی به منطقه مطرح شد این بود که مسئولیت امنیت منطقه به همپیمانان منطقه ای ایالات متحده از جمله اسرائیل موکول شود. و این طرح با راهبرد امریکا در قبال ایران که همانا همکاری با همپیمانان منطقه ای برای مقابله با فعالیتهای بی ثبات کننده ایران در منطقه و اولویت بخشیدن به گزینه دیپلماسی در رسیدگی به پرونده هسته ای ایران در کنار دیگر گزینه ها بود، همخوانی دارد. اما با افزایش تردیدها درباره میزان جدیت و کارآیی راهبرد امریکا، می توان گفت که توافق عربستان و ایران تا حد زیادی این طرح امنیتی امریکایی را تحت تأثیر قرار می دهد و احتمالاً اجرای این طرح به تأخیر می افتد و یا اینکه ساختار آن در آینده تغییر خواهد کرد؛ به گونه ای که شراکت امنیتی امریکا با کشورهای خلیج دچار تزلزل نشود و همچنان زمینه برای پیوستن کشورهای بیشتر به توافقنامه ابراهیم مهیا باشد. اما در صورتی که توافق ایران و عربستان جان بگیرد و ثمر بدهد، ساختار طرح امریکایی برای امنیت منطقه تغییرات و محدودیت هایی را تجربه خواهد کرد.

**پنج. مدیریت تنش میان قدرتهای منطقه ای:** این دیدگاه وجود دارد که ایالات متحده با استفاده از نفوذ خود در منطقه تلاش می کند از تنش میان ایران و کشورهای خلیج بهره برداری کند تا از این رهگذر منافع حیاتی خود را تأمین نماید. از این رو، رویکرد ایران به حل و فصل اختلافات با رقیب اصلی اش در منطقه، نه تنها سبب می شود که ایالات متحده برزی از ابزارهای سلطه بر منطقه را از دست بدهد بلکه از مسائل اختلافی با ایران نیز می گاهد.

**شش. راهبرد امریکا در قبال ایران:** ایالات متحده که از گزینه دیپلماسی با ایران منصرف شده است، بار دیگر به ابزار فشار حداکثری بر ایران روی آورده که در حال حاضر تلاش می کند به صورت غیر مستقیم از اعتراضات مردمی در ایران حمایت کند تا بدینوسیله ایران را برای بازگشت به برجام و تغییر در رفتار خصمانه با امریکا و غرب تحت فشار قرار دهد. اما با این توافق اخیر در مورد برون رفت از انزوای منطقه ای ایران گشایشی حاصل شد و موضع عربستان سعودی در قبال ایران اندکی از موضع امریکا فاصله گرفت. همچنین، این توافق سبب شد که ارزش پول ملی ایران افزایش یابد که این یک تأثیر مثبت بر اوضاع اقتصادی داخلی به شمار می رود. و اگر بر آرام گرفتن اعتراضات نیز تأثیر مثبتی داشته باشد، احتمال می رود که موضع ایران در برجام تقویت گردد و این کشور در مذاکرات هسته ای سرسختی بیشتر از خود نشان دهد.

## **دوم: فرصت های نهفته ایالات متحده در این توافق**

پیش از این، به دیدگاهی اشاره کردیم که احتمالاً ایالات متحده توافق میان عربستان و ایران را به عنوان تهدیدی برای منافع خود و تغییر بزرگ و ضربه ای به راهبرد خود در خاورمیانه قلمداد کند. و علاوه بر اینکه این توافق، یک چالش از سوی چین است، ساختار تازه خاورمیانه به رهبری عربستان سعودی بر اساس دیدگاه منطقه ای است و بر خلاف دیدگاه چندین دهه امریکایی تلاش دارد هرچ و مرج را به ثبات تبدیل کند و به جنگهای نیابتی و تشکیل گروههای شبه نظامی و خشونت طلب پایان دهد. از این رو، احتمال دارد ایالات متحده به این توافق روی خوش نشان ندهد و شاید تلاش نماید با مانع تراشی هایی تلاشهای دو طرف توافق را به بن بست بکشانند.

اما دیدگاه دیگری نیز وجود دارد مبنی بر اینکه احتمالاً ایالات متحده در مسیر این توافق سنگ اندازی نخواهد کرد و اجازه خواهد داد تا طرفین به ابتکار خود در مورد از سرگیری روابط جامه عمل بپوشانند. و ضمن تشویق

طرفین به پرهیز از رقابت و تنش زایی، از این تحول مثبت ایجاد شده در راستای منافع ایالات متحده استفاده نماید. وجود فرصت های نهفته در توافق احتمال اینکه امریکا از این توافق ارزیابی مثبتی داشته باشد را تقویت می کند. در اینجا به مهمترین این فرصت های نهفته اشاره ای خواهیم داشت:

### **یک. خوانش این توافقنامه؛ بدون در نظر گرفتن رقابت راهبردی با**

**چین:** علی رغم اینکه این توافق با میانجیگری چین و در راستای افزایش رقابت راهبردی چین با ایالات متحده حاصل شده است، این امر نمی تواند انگیزه قوی باشد که ایالات متحده برای ناکام گذاشتن این توافقنامه تلاش نماید، زیرا نه ایالات متحده و نه غرب نمی توانستند به جای چین نقش میانجی را در این توافقنامه ایفا نمایند. علاوه بر آن، این توافق با رویکردهای امریکا در قبال خاورمیانه همخوانی دارد زیرا پیش از این نیز ایالات متحده از چندین دور گفتگوهای مقدماتی عربستان سعودی و ایران در عراق و عمان حمایت کرده بود. همچنین می توان گفت که صرف نظر از نقش چین در این توافق، نفس این توافق، هدف امریکا که همانا ایجاد ثبات در منطقه است، را برآورده می سازد. زیرا ایالات متحده همچنان خود را مهمترین شریک امنیتی کشورهای منطقه می داند و بر این باور است که هیچ قدرت دیگری نمی تواند در آینده نزدیک جای او را در منطقه بگیرد. حضور چین در منطقه قبل از این توافق نیز در حفاظت از امنیت آبراهه های بین المللی و مقابله با برزی تهدیدات تازه مانند مقابله با دزدی دریایی مطرح بوده است. وانگهی، کشورهای منطقه نیز به اهداف و برنامه های چین در منطقه با دیده احتیاط می نگرند.

### **دو. این توافقنامه اهداف امریکا را در منطقه برآورده می سازد:**

راهبرد امریکا در اصل بر دنبال کردن سیاست عدم دخالت و کاهش ورود در بحرانها و تنشها استوار است. اما این کشور برای مقابله با خطرات احتمالی و تضمین پایداری منافع حیاتی خود، به جای تمرکز بر این سیاست، به سیاست بازدارندگی و حضور نظامی و دیپلماسی و ابزارهای هوشمند

روی آورد و قدرتهای منطقه ای را ترغیب نمود تا به جای رقابت و درگیری راه حل گفتگو را در پیش گیرند. و به جای اتکا به چتر حمایتی سنتی، هزینه تأمین امنیت مرزها و منافع خود را پردازند. کاهش تنش میان عربستان سعودی و ایران که به درگیریها و رقابتهای منطقه ای دامن زده بود، سبب شد که قدرتهای بین المللی رقیب، توجه خود را به نقشهای بزرگتری معطوف دارند. در نتیجه، این توافق به وضعیت نه جنگ و نه صلح منجر خواهد شد. زیرا از نگاه ایالات متحده، این توافق نمی تواند مانع از آن شود که این کشور رقابت میان دو طرف را به نفع خود مدیریت کند. بلکه این امکان وجود دارد که این توافقنامه به تنش زدایی در راستای منافع امریکا مانند پایان درگیری در یمن منجر شود.

**سه. شراکت ایالات متحده با عربستان سعودی همچنان به قوت خود باقیست و هر دو طرف به آن نیاز دارند:** علی رغم اینکه عربستان سعودی ضمن پافشاری بر رویکرد استقلال گرایانه گامهای چندی را برای تنوع بخشیدن به شراکتهای بین المللی برداشته است، اما سیاست خارجی خود را با نگاه عملگرایانه و درک محدودیت ها و ظرفیت ها و نیز تنوع بخشی بر اساس پویایی های ساختار نظام جهانی و تحولات آن مدیریت می کند به گونه ای که با هیچ قدرت بین المللی از جمله ایالات متحده وارد تنش نشود. اما در مورد این توافق نیز، عربستان سعودی امریکا را به عنوان همپیمان خود در جریان مذاکرات قرار داد. و قرارداد خرید بوئینگ که عربستان امضا کرده است و رئیس جمهور امریکا شخصا خبر آن را اعلام کرد، نشان می دهد که روابط میان دو کشور همچنان کانالها و ابزارهای تأثیرگذار خود را حفظ نموده است. علاوه بر آن، این احتمال وجود دارد که اگر شرایط و فضای لازم برای گسترش پیمان ابراهیم به وجود آید، توافق اخیر ایران و عربستان هیچگونه مانعی بر سر راه آن در آینده ایجاد نخواهد کرد. و معلوم است پادشاهی عربستان سعودی مانعی بر سر آن قرار نخواهد داد اما شروطی را در نظر دارد که قبلا آنها را به طرف امریکایی و اسرائیلی اعلام کرده است.



**چهار. امکان بهره برداری از این توافق جهت تقویت فرصت های احیای برجام و تغییر رفتار ایران:** قدرتهای منطقه ای اصرار داشتند که برجام مسائل گسترده تری از جمله تهدیدات منطقه ای ایران را نیز در بر بگیرد. اما ایالات متحده نتوانست این مسأله را در برجام بگنجانند. ولی امروز ایالات متحده احتمالاً به این باور رسیده است که توافق عربستان سعودی و ایران مقدمه خوبی برای احیای برجام خواهد بود. زیرا بعد از توافق میان عربستان سعودی و ایران دیگر دلیلی باقی نمی ماند که کشورهای منطقه با احیای برجام بدون در نظر گرفتن رفتارهای منطقه ای ایران، مخالفت نموده و در این زمینه فشار بیاورند. همچنین احتمال دارد که این توافق سبب شود که جریان تندرو در ایران در رفتارهایش تجدید نظر کند. زیرا این توافق یک اهرم فشار داخلی بر دولت ایران است تا برای احیای برجام و تجدید نظر در روابط با امریکا و پایان دادن به تنشهای بی دلیل، تلاش نماید؛ زیرا همین تنشهای بی دلیل است که سبب شده است ایرانیان نتوانند از درآمدهای کشورشان بهره مند گردند و همانند همسایگان خلیجی خود به توسعه و رفاه برسند. و احتمال دارد که این توافق سبب شود که نظام ایران در موضع خود نسبت به احیای برجام تجدید نظر کند. البته نباید از نظر دور داشت که بر اساس این توافق اهرمهای فشار خارجی از سوی چین و عربستان سعودی نیز متوجه ایران گردد. زیرا مقابله با بلندپروازی های هسته ای ایران یک هدف مشترکی است که چین، عربستان سعودی و ایالات متحده برای آن تلاش می کنند.

## **برآیند: بهره برداری از توافقی که شاید چندان دوام نیاورد**

با توجه به تهدیدات و فرصتهای نهفته در این توافق، می توان گفت که این توافقنامه یک رخداد غیر منتظره برای ایالات متحده به شمار می رود و ماهیت تحولات کنونی در جهان و منطقه را به سمت و سوی سوق داده که شاید به سود ایالات متحده نباشد، و علی رغم اینکه چین با استفاده

از عقب نشینی ایالات متحده از منطقه و بی توجهی به همپیمانان منطقه ای خود، توانست در حصول این توافقنامه موفقیت خود را نشان دهد اما احتمالاً ایالات متحده نیازی نبیند که در این ماجرا چین را به چالش بکشد. زیرا: اولاً ماهیت مواجهه میان قطبهای بین المللی و ابزارهای مواجهه تغییر کرده است و ثانياً، این مواجهه در مناطق خاصی صورت می گیرد و طرفین تلاش می کنند از هزینه های مواجهه در مناطقی که اولویت ندارند، پرهیز کنند. و در نهایت، در برخی موارد ممکن است تلاشهای چین در راستای تحقق اهداف امریکا صورت گیرد. به عنوان مثال، اگر این توافق منجر به پایان جنگ یمن و دیگر جنگهای منطقه ای شود، همین امر منافع امریکا را نیز برآورده می سازد. همچنین علی رغم چالشی که این توافق بر سر راه منافع امریکا در منطقه ایجاد کرده است، اما به احتمال زیاد ایالات متحده برای ناکام ساختن این توافق تلاش نخواهد کرد مخصوصاً اگر چنین برداشت شود که این توافق، تغییری در دیدگاه ایالات متحده نسبت به منطقه و ابتکارات و سیاستهای این کشور در منطقه ایجاد نخواهد کرد که از جمله آنها مواردی همچون پایبندی امریکا به ممانعت از دستیابی ایران به سلاحهای هسته ای، مقابله با اقدامات تهدید آمیز ایران نسبت به منافع امریکا در منطقه و حمله به نیروهای امریکایی در خلیج، عدم تهدید امنیت و سلامت آبراهه های و جریان تجارت و بازگرداندن آرامش به کشورهای منطقه است تا ایالات متحده بتواند به اولویت های خود در سطح بین الملل بپردازد. از این رو ناظران بر این باورند که احتمالاً ایالات متحده برای ناکام ساختن این توافق تلاش نخواهد کرد زیرا دلایل ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک نشان می دهد که این توافق چندان دوام نخواهد آورد. و از سرگیری تنش بسیار محتمل است. این در حالیست که بحران اعتماد میان عربستان سعودی و ایران همچنان پابرجاست و برنامه های هسته ای ایران از جمله موانع اعتمادسازی میان طرفین است. همچنین با شعله ور شدن هرگونه بحران و یا اختلافات تازه ای میان عربستان سعودی و ایران، چین نیز خود را از برقراری موازنه میان طرفین ناتوان خواهد دید.

